

دربارهٔ عداختهٔ مسلحانهٔ رژیم ایران در عمان و ظفار

هموطنان گرامی!

محمد رضاشاه برای سلطان بوسید عمان سرافراز و هرولیکو تروهوا پناهم فرستاد ما دست تان تحت فرماندهی افسران انگلیسی به سرکوب جنبش رهایی بخش ظفار پرداختیم. محمد رضاشاه و خدایگانان امپریالیستی میخواستند مشغلی را که بدست خلق‌های عرب در کرانه‌های خلیج فارس واقع است برافروخته و برافراشته شده است خاموش گردانند. سازمان دادن اتحاد امارات عربی و تسلیح و تقویت عرستان سعودی و ایران گوشه ای از نقشهٔ نواستعماری امپریالیست‌هاست که در صدد داند جنبش‌های ملی و نجات بخش خاورمیانه و منطقهٔ خلیج را بدست ارتجاع محلی نابود گردانند و اعزام ارتش ایران به عمان نمودار تقنی است که امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی بر علیهٔ محمد رضاشاه بعنوان زانندهٔ خلیج گذاشته اند. این حادثه نشان دهندهٔ مرحلهٔ جدید در اتحاد و هم‌دستی حکومت‌های ارتجاعی این منطقه در زیر پرچم امپریالیسم است.

همه میدانند که رژیم زرخید عمان یکی از عقب مانده ترین و فروتن ترین رژیم‌های جهان است که مستقیماً بدست افسران انگلیسی اداره میشود. و همه میدانند که امروز "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" و مناطق آزاد شدهٔ ظفار الهام بخش همهٔ خلق‌های خاورمیانه است. نقشهٔ سرکوب جنبش ظفار قسمتی از سرکوب جنبش در تمام منطقهٔ خلیج و سراسر خاورمیانه بشمار می آید. نبرد قهرمانانهٔ خلق ظفار با بیگار ملی و ضد امپریالیستی همهٔ خلق‌های خاورمیانه پیوند مستقیم دارد. پیروزی خلق ظفار پیروزی همهٔ خلق‌های خاورمیانه است. اعزام ارتش محمد رضاشاهی به ظفار ثابت میکند که ما همه بر علیه دشمن واحدی در مبارزه داریم. خلق ایران اقدام محمد رضاشاه را در اعزام ارتش به ظفار با خشم و نفرت بی پایان محکوم میکند و با تمام قوا پشتیبان خلق‌های برادر عرب است. هیچ ایرانی شرافتمندی بر روی خلق‌های برادر عرب و بر روی خلق دلبیر ظفار دست بلند نخواهد کرد. جنگ بر ضد خلق ظفار جنگ بر ضد خلق ایران است. پشتیبانی برشور و فعال از نهضت ظفار و کمک همه جانبه به وی وظیفهٔ کلیهٔ سازمان‌های ضد استعماری و کبیلهٔ هموطنان ماست.

سربازان و درجه داران و افسران

محمد رضاشاه میخواهد شمارا برای آتش زدن روستاها و سوزاندن خانمان و زن و فرزند خلق زنجیردهی بفرستد که بخاطر رهایی از اسارت امپریالیستی و فقر و جهل قرون وسطائی پناخته است. نگذارید در این شما و ملت ایران چنین تبهکاری آلوده گردد. دست بزداری بسوی خلق عمان و ظفار دراز نگهید و به ارتش‌رهایی بخش ظفار بی‌وفایی. فرصت را از دست ندهید. بگذارید آماج گلوله‌های شما سلطان قابوس‌ها و محمد رضاشاه‌ها و سایر طفیلی‌ها و غارتگران و امپریالیست‌های استعمارگرا بشوند. تذبذب نیست که اقدام تجار کارخانهٔ رژیم محمد رضاشاهی که با اشارهٔ امپریالیست‌ها انجام گرفته است خلق عمان و ظفار را در دفاع از آرمان‌های ملی و ضد استعماری خویش راسخ تر خواهد ساخت و وحدت و همبستگی خلق‌های عرب و ایران را بیشتر از پیش تحکیم خواهد کرد.

شترگون با رژیم دست‌نشاندهٔ محمد رضاشاهی

دست ارتجاع و امپریالیسم از عمان و ظفار کوتاه

درد پرشور به "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" سازمانده مبارزهٔ قهرمانانهٔ خلق ظفار

استوار باد دوستی و همبستگی خلق‌های عرب و ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم

شمارهٔ ۶۹
سازمان مارکسیستی توفان

اردیبهشت ۱۳۵۱ = آوریل ۱۹۷۳

استعماری دست برده بود. هدف این "اصلاحات" فریب خلق ایران، نقای افکنی در میان نیروهای انقلابی ایران بود. ولی خلق ایران با جنبش خرد ار ۱۳۴۶ نشان داد که از عمان آغاز فریب این دسیسهٔ امپریالیستی را نخورده است و سرکوبی رژیم نیمه مستعمره و نیمه فئودالی محمد رضاشاه کاکان شعار اصلی همهٔ نیروهای میهن پرست و انقلابی است. بقیه در صفحه ۲

دست جلاد کوتاه!

پس از گذشت سه سال فاش میشود که یکی از پژوهندگان آنها را و اوضاع اجتماعی ایران، خانم حاجی، را سازمان امنیت از خیابان‌های تهران برود و بدون هیچگونه اطلاعی به خویشان وی در زندان نگهداشته و حالا پس از ابرام انواع فشار و شکنجه برای او در تدارک صحنه‌سازی دادگاه است.

مرگدشت خانم حاجی سرگذشت بسیاری از مردم پشرواقتمند میهن ما است. ولی آنچه در این مورد ویژهٔ وی دارد اینست که خانم حاجی بنابر وظیفهٔ شغلی خود به پژوهش در روستای ابرام پرداخته و نتایج "اصلاحات ارضی" میرداخته و همین امر علت گرفتاری او شده است. رژیم کودتا روستای ایران را از طریق سازماندهو سپاهیان کونکابون و خانه‌های اخصاف و غیره ویژه در زیر نظارت گرفته است و میکوشد تا آن را بصورت محیط بستهای درآورد زیرا که علی‌رغم تبلیغات دروغین خود از قیام روستاییان سخت میهراسد. رژیم کودتا به ایرانیان خان از کشور که پیوسته میباشند و سیاست صدمی او مشغولاند جار میزند که بیانیست و بنقاط مختلف ایران، به کارخانه و مزرعه، سرزمیند تا و افضیست دل افروز "انقلابات دوازده گانه" بر شما روشن شود. ولی آنچه که یک تن پژوهشگر ایرانی، با تقاضای شغل خویش، سری به ده میزند، فورا با شکنجگران سازمان امنیت سروکار پیدا میکند. حادثهٔ دستگیری خانم حاجی، دلیل روشنی بر گردب تبلیغات رژیم کودتا دربارهٔ واقعیات روستای ایران است. دست‌خانیگار سازمان امنیت از خانم حاجی کوتاه! درود پرشور به زندانیان سیاسی!

بیان خرد ار خونین

ده سال پیش در روز پانزده خرد ار نبرد میهن روستان ایران با نیروهای مسلح محمد رضاشاه به اوج خود رسیدند. ده‌ها هزار نفر از مردم تهران و شهرستانهای دیگر، شجاعانه به مبارزهٔ قهرمانانهٔ شهنشاه خلق پرداختند. گلوله‌های دشمن محمد رضاشاه خون هزاران نرفرازین جایباران را نقش بر زمین ساخت.

رژیم محمد رضاشاه پس از کودتای ۲۸ مرداد هنوز بسا چنین تظاهرات وسیعی مواجه نشده بود، تظاهراتی که بخش وسیعی از توده‌ها را در بر میگرفته خشمناک، قهرآمیز و صراحتاً برای سرنگونی رژیم خائن محمد رضاشاه بود، به انتقاد از این رژیم یا آن اقدام رژیم انگفا نمیکرد، همهٔ پیگیرهٔ وی را مورد هدف قرار داده بود. شعارهای اساسی این تظاهرات "مرگ بسر محمد رضاشاه" و "مرده باد استبداد" بود. مردم هر کجا که میرسیدند تجویزات و موسسات دولتی را زیر پا میساختند و مسائل نظیبه دولتی و ارتشی را میسوزاندند. هیچ کس بیم از آن نداشت که در صف اول تظاهرات قرار گیرد و اولین هدف گلوله‌های قوای نظامی خونخوار محمد رضاشاه باشد. محمد رضاشاه و قوای نظامی ساخته و پرداختهٔ امپریالیست‌ها از هیچ گونه دمنشی و فسادتی فروگذار نکردند. مردم را چنان به رگبار گلوله بستند، حتی در بسیاری از خیابانهای که اصلاحات تظاهرات بود، برخی از رنگران را هدف گلوله فرارمیدادند. بوده داده شده بود که هر کس بیشتر آد پیکند مورد تفتات بیشتر، ملکانهٔ فرار خواهد گرفت براداش بیشتری دریافت خواهد داشت ولی جنبش توده‌های مردم آنچنان وسیع بود که این نیروهای تا بدندان مسلح رژیم بیش از یک هفته برای سرکوب آن وقت صرف کردند.

در آن زمان محمد رضاشاه با الهام از امپریالیسم امریکا برای ادامه دادن به سلسلهٔ خونین خویش و برای ایستادگی در برابر امواج نیرومند انقلاب به یک سلسلهٔ "اصلاحات" نو -

کنفدراسیون و توطئهٔ تازهٔ رژیم

رژیم ایران پس از آنکه از فشار و تضییقات کونکون خود علیه دانشجویان خارج بنظر جلوگیری از شرکت آنان در کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویی طفرسی نیست کنفدراسیون را عبر فائزونی اعلام کرد و اعضاء آنرا قابل تعقیب شمرد. شاه و سازمان امنیت چنین بی پنداشتمند که با این اقدام ضریهای کاری بر دیگر سازمان دانشجویان ایرانی وارد آوردند. اما جوانان و دانشجویان با شرکت وسیع خود در کنفدراسیون و از آنجمله در نخستین گردهای که بلافاصله پس از اعلام غیرقانونی کردن کنفدراسیون تشکیل شد، نشان دادند که کنفدراسیون را از آن خود میدانند و آنچه در قوه دارند بفعال در مبارزات آن را از دستبرد نیروهای اهریمنی مصلحت و محفوظ نگاه دارند.

امروز دیگر روشن است که این اقدام شاه نیز با تمکنت روبرو شده است. کنفدراسیون علی‌رغم فرمان استبداد همچنان استوار برجای خود نمانده و به انجام وظائف خلقی و میهنی خود با پیگیری ادامه میدهد. سازمان امنیت که از آخرین اقدام خود هم نتیجه ای بدست نیارود اکنون در کنار افعال فشار و اختناق که حسیهٔ اساسی او است نقشهای تازه ای میبزند و در دنبال توطئه‌های جدیدی است. این بار برای آنکه "پلهای ارتباطی بین حکومت و دانشجویان زده شود" کنفدراسیون را زیر حاکمیت جولانگاه ریاست و مبارزه گروهها و تشکیلات سیاسی مختلف در بیاید. "آنتوت" و "آنتوتیک" سازمان دانشجویی میتواند خیلی کارها بنفع مملکت انجام دهد. (کجهان ۳۰ دسامبر ۱۹۷۲)

سازمان امنیت، مانند روزیونست‌ها، کنفدراسیون را از هیئتیک سازمان دانشجویی مستقل، یعنی آنچه که در واقع هست، بی اندازد و آنرا جولانگاه رقابت و مبارزه تشکیلات سیاسی دینمیاند. با این توصیف برای سالم کردن محیط کنفدراسیون، محیطی که از رقابت و مبارزه سازمانهای سیاسی برکنار باشد باید فعالین کنفدراسیون، که گویا به گروهها و تشکیلات سیاسی وابسته‌اند بشگی از کنفدراسیون و مبارزات دانشجویی دور شوند و پلهای ارتباطی، لابد به هیئت‌عالی که بدرون کنفدراسیون راه مییابند، میان حکومت و دانشجویان برقرار کرد! آنگاه طبیعتاً کنفدراسیون در اختیار سیاست رژیم درخواهد آمد و "خیلی کارها بنفع مملکت انجام" خواهد داد!

رژیم ایران در واقع این فکر خام را در سر پیوراند که با استفاده از تمام وسائل که در اختیار دارد بر کنفدراسیون دست بیاورد و بدین ترتیب پایک تیر و نشان بزند: از یکسو کنفدراسیون را از سر راه بردارد و گریبان خود را از دست سازمانی که با استقامت و پیگیری واقعیت و ماهیت رژیم را به جهانیان میثسانند، برهاند و از سوی دیگر آنرا در خدمت خویش بیکارد و در راه آرایش خود بکار اندازد.

البته نیل به چنین هدف تبهکارانه‌ای به آسانی دست نمیدهد ولی رژیم ایران برای خاموش کردن صدای کنفدراسیون چنانکه تاکنون نشان داده، از هیچ اقدامی روگردان نیست. سازمان امنیت و آنگونه که از ظاهر امر برمیآید، مستقیم بسا غیر مستقیم از هم اکنون کار خود را آغاز کرده است. اما رژیم این بار هم کور خوانده است و این بار هم بر روی اعضاء کنفدراسیون و همه دانشجویان میهن دوست با هوشتیا تمام این نقشه سازمان امنیت را نیز نقش بر آب خواهند کرد. همانطور که نقشه‌ها و توطئه‌های دیگر سازمان امنیت را عقیم گذاردند. البته کنفدراسیون در این مبارزه خود کاکان از پشتیبانی بی شائبه همه سازمانهایی که به حفظ و تقویت آن علاقه مندند برخوردار خواهد بود. بقیه در صفحه ۲

گرامی باد بیاد تنییر باران شدگان و همه شهیدان!

نبرد مسلحانه در فیلیپین

در این اواخر مطبوعات جهان سرمایه داری از جنگ توده ای در فیلیپین بسیار سخن میگویند. ولی گوشزد دارند که این جنگ را زد و خورد بین مسلمانان و مسیحیان جلوه گر سازند. بویژه مطبوعات ایران در این مورد جنجال بسیار برپا کردند و افسانه‌هایی در باره ایرانیان مسلمان مقيم فیلیپین سر دادند. و همه این تبلیغات برای آنستکه واقعیت حوادث فیلیپین و مفهوم طبقاتی و ملی و ضد امپریالیستی آنها را پنهان نگاه دارند. واقعیت آنستکه توده‌های زحمتکش و استقلال طلب فیلیپین بر علیه حکومت استبدادی و دست نشانده آمریکا - حکومت مارکوس - بیای خاسته‌اند. مقاله زیرین که از روزنامه گلرته (ارگان حزب کمونیست مارکسیست لنینیست پلزیلیترجمه شده است خوانندگان گرامی را با آنچه در فیلیپین میگذرد آشنا خواهد ساخت. روزنامه گلرته در نیمه دوم آوریل نوشته‌است:

در فیلیپین چه میگذرد؟ اخبار واصله واقعا خیلی خوب و حاکی از آنستکه مبارزه نیروهای توده‌ای بر علیه دیکتاتور مارکوس به مقیاس وسیعی گسترش یافته است. محافل رسمی مانیل (پایتخت فیلیپین) اعتراف میکنند که نبرد های پراکنده ای بین نیروهای توده‌ای و نیروهای دولتی نه فقط در روستاها بلکه همچنین در شهرها درگیر شده است. در برخورد های شدید ی که در هفته‌های اخیر یوقو پیوسته نیروهای دولتی تلفات زیادی از حیث نفوات و افزارها و جنگی داده‌اند. پیروزی‌های ارتش نوین خلق بارهبری صحیح حزب کمونیست فیلیپین که با وفاداری به مارکسیسم لنینیسم و پرچم مبارزه مسلحانه خلق فیلیپین را بر علیه دیکتاتور فاشیستی مارکوس و خدایان و کارکنان یعنی امپریالیستهای آمریکا سر بلند نگاه داشته است. پیوند نزدیک دارد.

حزب کمونیست فیلیپین بارها تاکید کرده که یگانگی پاسخ به حکومت نظامی که بوسیله مارکوس برپا شده جنگ توده‌ای است.

روش انقلابی حزب کمونیست فیلیپین حاکی از اینکه شکل مناسب مبارزه در مرحله کونی دیکتاتور و ملی انقلاب فیلیپین همانا مبارزه مسلحانه میباشد روشن تر از همیشه مشخص است.

حزب کمونیست فیلیپین در اسنادی که اخیرا منتشر ساخته در ضمن تحلیل اوضاع فیلیپین تاکید میکند که سهام قلمی بسیار مساعد برای تقویت مبارزه در آن کشور وجود دارد نخست اینکه آمادگی حزب کمونیست فیلیپین بصرای رهبری نبرد انقلابی در جهت سرنگونی حکومت فاشیستی از همه بیشتر است.

دوم اینکه حزب دارای ارتش انقلابی بسیار نیرومند و بسیار آرموده ای است بنام ارتش نوین خلق.

سوم اینکه صفوف نهضت انقلابی گسترش بسیار یافته و وارد آه آنان برای نبرد توده‌ای در سراسر جزائر فیلیپین راسخ تر شده است.

حزب کمونیست فیلیپین صلاحیت رهبری مبارزه انقلابی را دست آورده زیرا که از حیث ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی آمادگی یافته است. حزب کمونیست فیلیپین با تکیه بر آموزش مارکسیسم لنینیسم و قادر است جنگ توده ای طولانی را بسا سر سختی رهبری کند و راه حل مسائل انقلاب فیلیپین را بطریی صحیح بیابد. سیاست انقلابی حزب کمونیست فیلیپین توده‌های زحمتکش شهر و روستا را در سارزه برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی تحمیل میکند. همچنین نیروی حزب کمونیست فیلیپین در قدرت تشکیلاتی اوست که با تلفیق صحیح کار مخفی با کار علنی میتواند در برابر ضربات دیکتاتوری فاشیستی فیلیپین مقاومت کند.

حزب کمونیست فیلیپین در تنظیم برنامه خویش منظور انقلاب دیکتاتور خلق و طبقات خود را چنین مقرر داشته است متحد ساختن کلبه نیروهایی که با دیکتاتوری فاشیستی در دست آمریکا مارکوس بمخالفت برخیزند و مبارزه انقلابی مسلحانه برای سرنگون ساختن وی یاری رسانند و تقویت ارتش نوین خلق و سازمان دادن واحد های پارتیزانی در سراسر جزائر فیلیپین و متحد ساختن کلبه کسانی که مخالف دیکتاتور مارکوس اند ، مبارزه در راه استقرار حقوق دیکتاتور کلبه نیرو

های ضد فاشیستی ، بر علیه کلبه اقدامات دیکتاتوری فاشیستی که سود امپریالیسم آمریکا و دارو دسته فاشیستی مارکوس است، بخاطر ایما کلبه میانها و موافقت نامه‌های نابرابر با آمریکا و بویژه میانها و موافقت نامه‌هاییکه مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم و بانگه‌های نظامی و کلبه نظامی و تجاوزکاری نظامی و فریفتگی است. حزب کمونیست فیلیپین از کلبه اعصاب خود دعوت میکند که فعالیت بمنظور تحقق بخشیدن به وظایف بر نامه سیاسی و سازمانی و ایدئولوژیک را که از لیرف حزب تنظیم شده است گسترش بخشد.

در رهنمود های فوق تاکید شده که بر خلاف ناواهی امر که گویا دیکتاتوری دارو دسته مارکوس موجودیت نیروها انقلابی را تحت فشار گذاشته وضع بسیار مساعدی برای بسط نیروهای مذکور وجود آمده است.

حزب برای آنکه نیا زعظیم کشور را به کار درامد در کلبه نقاط تا مین کند امر اعزام کار درها را از منطقه ای به منطقه دیگر تنظیم کرده است. بر تفرای رابطه صحیح بین تعداد کار درها در نواحی شهری و روستائی باید بوسیله کلبه های منطقه ای عملی نمود. کلبه مرکزی حزب کمونیست فیلیپین بر آنستکه کلبه های مذکور باید ابتکار بیشتری در ساختمان حزب و ارتش نوین خلق و جبهه متحد بکار بندند.

حزب کمونیست فیلیپین میطلبد که به کار در میان توده‌ها اهمیت بیشتر داده شود و تا کلبه میکند که کلبه های حزب وابسته به کلبه و کیفیت واحد های حزب و واحد های فعال ارتش نوین خلق ، ارگانهای قدرت سیاسی، کلبه های سازماندهی خلق و سازمانهای توده‌های کارگران ، دهقانان جوانان ، زنان و زحمتکش فرهنگی.

نظر به توری که از طرف دیکتاتوری دارو دسته مارکوس اعمال میشود حزب کمونیست فیلیپین به بهبود شیوه‌های کار مخفی و بویژه در شهرها و همچنین به ایجاد پیوند با تعداد هرچه بیشتری از مناطق توحه خاصی مبدول میاید.

حزب کمونیست فیلیپین و ارتش نوین خلق که بوسیله وی رهبری میشود اعلام داشته اند که دیکتاتوری آمریکا پرست مارکوس شرایط لازم برای مبارزه مسلحانه در مناطق روستائی را فراهم آورده است. مبارزه مسلحانه خند بین منطقه محدود کشور آغاز شده است و اینک در سراسر جزائر فیلیپین مناطقی نبرد وجود دارد. موقع آن رسیده است که به علیا متحد و در نواحی شهری دست زده شود.

نهضت انقلابی بر علیه امپریالیسم آمریکا و فئودالیسم و سرمایه داری بزرگاتی که بصورت نیروی عظیمی درآمده که قادر است انقلاب فیلیپین را تا باخر برساند.

نمونه‌ای از گزارش های رسمی

"طبق گزارش اداره تربیت بدنی گرسار ، جشن افتتاح استخر شنا برگزار گردید. ولی هنگامی که من به گرسار رفتم دیدم کودکانی که در استخر شنا گزارش به مرکز داده‌اند که جشن افتتاح استخر را برگزار کرده‌اند. گفتند مادر گزارش اشتباه کرده‌ام."

از یاد اگرات مجلس محمد رضا شامروز ۱۳۵۱ اسفند

کفدراسیون... بقیه از صفحه ۱ سازمان ما که هیچگاه از پشتیبانی از این یگانه سازمان دانشجویان ایرانی و تقویت آن باز ناستاده است ، از این پس نیز با استحکام تمام شی خود را در پشتیبانی از کفدراسیون دنبال خواهد کرد ، اما نظر به اهمیت وظایف کفدراسیون در مبارزات خلق های میهن ما ایفا میکند و این اهمیت برگسی پوشیده نیست ، نظر به اینکه صدای کفدراسیون در حال حاضر یگانه صدای رمای خلق ایران است که علنا در سراسر جهان طنین می افکند سازمان ما بر آنست که همه سازمانهای سیاسی هوادار کفدراسیون باید متفقا به صیانت کفدراسیون همت گارند ، همکاری فکری و عملی همه این سازمانها کفدراسیون را در مبارزه با بخاطر مقابله با توطئه سازمان امنیت ، از پشتیبانی نیرومندتری برخوردار خواهد ساخت ، سازمان ما آمادگی خود را برای هرگونه همکاری فکری و عملی اعلام میدارد و امیدوار است که این ندای وی و این آمادگی وی که فقط از اعتقاد عمیق به نقش کفدراسیون منشاء میگردد ، در سازمانهای سیاسی هوادار کفدراسیون انعکاس یابد و مطلوبی بخشد .

بیاید خردا... بقیه از صفحه ۱ در این هنگام رژیم محمد رضا شاه موزانه مدعی گشت که جنبش ۱۵ خرداد بخاطر حمایت از مالکان بزرگ که گویا از "اصلاحات ارضی" انبوابی بودند ، بخاطر مخالفت با "آزادی زنان" و غیره صورت گرفته است. دستکامهای تبلیغاتی امپریالیستهای غرب و سوسال امپریالیسم شوروی نیز به کلب این مانور تبلیغاتی شاه آمدند. روزنامه ارگان دولت شوروی (ایژوستیا) این "آشوب و یلسوا" را "تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان" قلمداد کرد. در مجله شوروی "عصر جدید" آن میهن پرستان دلبری را که در "نبرد خردا شرکت داشتند" اشخاصی که از تعصب کور شده‌اند" نامید که گویا حامیان مالکان ارض هستند و بویژه با آزادی زنان مخالفت دارند. سوسال امپریالیستهای شوروی حتی رویز - نیست های حزب توده ایران را بر آن داشتند که از پشتیبانی از این جنبش عظیم توده‌های خود داری ورزند و این "حادثه" را ناشی از "جبهه مردم" بنمایاند. ولی مردم ایران بخوبی می دانستند که علیه چه کسانی مبارزه میکنند. البته این جنبش رتک مدعی داشت. ولی از تمام طبقات و اقشار اجتماعی ایران در آن شرکت حسته بودند. زیرا هدف این جنبش رژیم خون - خوار محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستش بود. آن توده های وسیعی که در جنبش خردا شرکت داشتند ، در حقیقت اصلا حقا عمیق اجتماعی میخواستند "اصلاحاتی" که فقط ناشی از اصلاحات است و فقط برای فریب خلق و ادامه سلطه خاتین عرضه میگردد. متاسفانه جنبش خردا در ۲۴ به شکست انجامید ، رسرا رهبری نداشت ، مرکز آن در شهرهای بزرگی بود که قوی ترین پایگاههای دشمن است ، نیروهای عظیم دهقانان و شرکت در این جنبش بر کارمانده بودند ، حزب طبقه کارگر نیرومندی وجود نداشت که جنبش را با اتکا به کلبه طبقات دیکتاتور رهبری کند و بسوی پیروزی سوق دهد ولی با وجود این نقائص جنبش خردا در اثر مثبت خویش بر تاریخ انقلاب ایران برجای گذاشت.

گرمای باخاطر شهیدان خردا ۲۴ !
برافراشته باد پرچم مبارزه فخر آمیز علیه ارتجاع و داخلی و حامیان امپریالیستش !

سوسیال امپریالیسم و کامبوج

نورون سپهانوک رئیس دولت متحد ملی کامبوج در مصاحبه با مجری روزنامه "لوموند" در یک از جمله چنین گفت (لوموند ۲۲-۲۳ آوریل) :

"در واقع آمریکا که با کشور کوچکی مانند کامبوج روی - افتد منظور آنست که یک نظام نو استعماری برای نگه دارد. این امر تا حدی به دگر بنی برزفت و قصبه دیکتاتوری است. تکیه بر تحمل نمیکند که کشور را استقلال خود پاید اری ورزند و با کلبه های غیر از گزارش او داشته باشند. روسها نیز همچنان ماراننده بجز روسها و همچنان بخش گرانای تعطیلات آخر هفته در تونپین مشغول اند. آیا این روش آنها را چگونه باید توجیه کرد؟ اولین توجیهش خصومت راسخ آنها نسبت به چین است. توجیه دیگرش آن است که روسها موافقت هائی با آمریکا کرده اند و مصم اند که با آمریکا همکاری داشته باشند. البته حالا که اوضاع بزیسان لین نول میجرسد روسها متصل و نگران اند (. . .) اگر از آن بهره مند که ما با کلبه ام از آنها ، باروس ها یا با امریکائی ها ، آسانتر میتوانیم کار بیابیم ، خواهیم گفت با امریکایا و روسها هرگز بطرف ما نخواهند آمد. ولی مبارز تصور کنید که در نظر من تیکسون به رهکاران لین تون تن در خواهد داد .

کمیونگر به چنین لای گفته است : " ما نمیتوانیم بسا سپهانوک وارد مد اره شویم اما با بویده " تحسین میکنیم . این آن نظریه‌ای است که مورد قبول روسها نیست : آنها نسبت ما هم احساس تحقیر دارند و هم احساس نفرت . آنها با ما بوی - مته دشمن تر میشوند. چرا؟ نمیتوان این را زراد انست. آن - ها هرگز از کلبه های نظامی ما سخن نمیگویند. مطبوعاتشان فقط عنایه های سن اللی را که حاکی از مطالبه برسمت شناختن حکومت ماست منتشر نمیکردند. و بعد از روسها در صحبتها خصوصی خودشان مثل امریکائیها بخاطر میگویند و یا حسانی میکنند که کسانی که در کشور ما میروند و بنامی هستند نکامبوجی "

درباره عمان ... بقیه از صفحه ۴
 عمان را در دست
 تارک و سبزوید قریب بودهای مردم و نفاق افکنی در نهضت
 ظفار در روئیه ۱۹۷۰ سلطان سعید بن تیمور را بوسیله کودتای
 ساختگی از سلطنت برکنار ساخته سلطان فایس را بر جای او
 نشاندند و جمال تبلیغاتی براه انداخت که سلطان جدید
 سلطان "جدید و اصلاحاتی" است. اما خلق عمان و ظفار به
 نام امیرالایم انگلستان گرفتار نیامدند و جریان انشمارگانه
 آبی را که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۰ بدست عمال انگلستان در
 شرق ظفار بوجود آمد در هم شکسته به مبارزه بسن
 علیه سیاست شو استعماری امیرالایم انگلستان
 ادامه بخشیدند.

سیاست امیرالایم در عمان و ظفار از سیاست عمومی
 وی در منطقه خلیج جد نیست این منطقه از لحاظ نعت و نظور گسی
 از لحاظ اقتصادی و نظامی برای امیرالایم جنبه حیاتی دارد
 و امیرالایم در عین حال که پایگاههای نظامی (دریائی و
 هوائی) خود را در این منطقه حفظ و تحکیم کرده در صد
 اشت که ارتجاع محلی را در برابر نیروهای روز افزون ملی وضع
 امیرالایستی متحد گرداند و تقویت کند. سازمان دادن مارا
 ارتجاعی عربی و تشکیل اتحادیه آنها و تسلیح و تقویت عربستان
 سعودی و ایران و واگذاری نقش زنده در منطقه به محمد رضا
 شاه و اشغال جزایر سه گانه تنب و ابو موسی و جزیره غم
 بوسیله ایران همگی بر اساس این سیاست انجام گرفته و میگردد.
 حکومت ایران از چند سال پیش به نفع نهضت نجات
 بخش ظفار و تاه شیر آن در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران
 توجه کرد و هرگز از توطئه بر علیه وی غافل ننشست. مذاکرات
 متعدد ایران با عربستان سعودی و بین شمالی
 همیشه شامل طرح نقشه های خد ارانه برای ضربه زدن بسن
 نهضت نجات بخش ظفار بوده است. اینک دولت ایران با اشاره
 امیرالایستها صریحا وارد میدان شده و ارتش و اسلحه به
 عمان فرستاده است. خبرنگار روزنامه النهار که با سلطان
 فایس مصاحبه کرده تعداد هلیکوپترهای ارسالی ایران را ۲۵
 و تعداد افسران اعزامی را ۳۴ نفر نوشته است. خبرگزاریها
 تعداد سربازان ایرانی را تا قریب سه هزار تن تخمین زده اند
 خارج آنها را دولت ایران میبرد از فرماندهی کل آنها پس
 افسران انگلیسی است و هدف آنها مناطق آزاد شده ظفار
 و ارتش نجات بخش ظفار است.

"جیبه" رهائی بخش خلیج عربی اشغال شده" بنا
 است
 این مسائل امیرالایستی و منجمه اعزام قشون ایران به عمان در
 طی اظهاریه مارس ۱۹۷۳ چنین میگوید: "در این شرایط لازم
 میدانیم به اطلاع دوستان و برادران عرب خود برسانیم که جنگ
 توده های ما جنگ عادلانه ای است و هدف آن عبارت از نیل به
 آمال مردم و آسایش ملی و دموکراتیک و در رأس آنها مطالبات
 زیرین:

- ۱- بیرون راندن نظامیان انگلیسی، اردنی، ایرانی و امریکائی از سبهن ما.
- ۲- برانداختن پایگاههای نظامی که خلق و امنیت او را و همچنین صلح بین المللی را مورد تهدید قرار داده است از آنجمله پایگاه صیره، جحیر و صلاله و غیره.
- ۳- الحاق گلبه پیمانهای ظالمانه و رقیبت بار قدیم و جدید سیاسی و نظامی که سران عشائر با استعمار انگلستان با حکومت توسعه طلب شاه (ایران) و با حکومت خائن عمان منعقد ساخته اند.
- ۴- آزاد ساختن صد ها تن زندانی سیاسی مبین پی که گرفتار انواع شکنجه های وحشیانه اند و محاکمه تبهکاران خا خونخواری که خون دهنها نفر از نرژندان خلق را در این زندانها ریخته اند.

و برقراری حکومت ملی و دموکراتیک ناشی از خلق و برانداختن نظامات قبیله ای پوسیده کونی.

بخاطر وصول به این آمال ملی که با شسرف و شخصیت خلق ما و با حال و آینده او و با حال و آینده بخش اساسی خلق و میهن عربی ما ارتباط دارد و خلق ما اسلحه بزمین نخواهد گذاشت و انقلاب از شنی جنگ نجات بخش توده ای انحراف نخواهد جست و در صورت اصول سیاسی خود بیه سود آگری دست نخواهد زد.

روزی بنویستها... بقیه از صفحه ۴
 حکومت ملک فیصل متحد با حضور نیروهای انگلیسی در خلیج فارس مخالفت و تانبا حل مسئله بحرین به این وحدت کلنگرند
 است. و بنا بر این باید حل مسئله بحرین را مقدمه و نتیجه
 مناهدات ضد امیرالایستی دانست!
 باین عبارت عبرت انگیز ارگان روز بنویستها توجه کنید
 که نوشته بود: "سیر حوادث و زمامداریان ایران را اکنون
 دیگر دست کم در مورد استعمار انگلیس و در تنگنای خلیج به
 تصدیق حقانیت شعار ضد استعماری ضد امیرالایستی میهن
 پرستان ایران و به هم آوایی با آنان وارد داشته است." (۱۳۵۰)

یعنی روز بنویستها صریحا به مردم ایران گفتند که
 محمد رضا شاه و همکاران در جهت حاکم دست کم به مبارزه
 ضد استعماری و ضد امیرالایستی بر علیه انگلستان در خلیج
 فارس برخاسته اند. قید دست کم از آن جهت بکار برده شده
 است تا خواننده بداند که جنبه ضد استعماری ضد امیرالایستی
 رژیم کودتا بیش از این حد است و نویسنده فقط برای آنکه
 هیچ جای بحثی نماند بذکر این حد اکتفا کرده است!
 وقتی که محمد رضا شاه در اجرای نقشه امیرالایستها
 با اشغال جزایر سه گانه تنب و ابو موسی دست زد روز بنویستها
 نیستها نخواستند این نقشه افشا شود و قرار ندهند سابقه تاریخی
 سیاسی فعلی حادثه را مورد توجه قرار دهند سابقه تاریخی
 را به پیش کشیدند. ارگان آنها نوشت "تا" بین حاکمیت ایران بر
 این جزائر بنظر ما طبیعی و ناشی از واقعیت است!"
 ایراد روز بنویستها فقط آن بود که چرا حاکم شارجه جرئت
 کرده و میگوید "حاکمیت شارجه بر ابو موسی و نیز پلیس آن در
 این محل کماکان باقی است" و چرا "ارتش ایران تنها در
 منطقه ای که طبق قرارداد معین شده مستقر گردیده و حاکم
 شارجه) در حال آن سالیانه یک ملیون و نیم لیره از ایران در
 یافت خواهد داشت!"

باین طریق روز بنویستهای حزب توده ایران بر توطئه
 امیرالایسم و محمد رضا شاه صحه میگذاشتند و حتی محمد رضا
 شاه را تشویق میکردند که اشغال ابوموسی را تا نام نگذارند.
 آنکه "برای خالی نبودن عریضه" برای آنکه آرایش به سیاست
 زشت خویش را به باشند به توصیه های پوچ و خیالی از قبیل
 اینکه محمد رضا شاه نباید حقوق ویژه را در این جزائر برای
 امیرالایسم انگلستان قائل شود... و غیره میبرد اخذند.

اکنون همین محمد رضاشاهی که روز بنویستها او را
 دست کم و آراسته به خصوصیت ضد استعماری و ضد امیرالایستی
 لایستی بر علیه انگلستان و طرفدار تخلیه خلیج فارس از نیروهای
 نظامی انگلستان جلوه میدادند افسران و سربازان ایرانی را
 به عمان فرستاده است تا تحت فرماندهی افسران انگلیسی به
 به سرکوب نهضت نجات بخش ظفار بپردازند! و اکنون همان
 روز بنویستها دیگر بر مقدمات این مدخله گری جنایتکارانه
 صحه گذاشته بودند صدای شاقفانه خود را بر علیه اعزام قشون
 به عمان با فریاد خلق ایران در هم آمیخته اند و توقع دارند
 که همچگونگی این "بدرقه های خطرناکتر از زدن" را نشانند!
 روز بنویستها بر آنشده در تمام میدان میدهند که منسب ساختن
 آنها به سازش با رژیم کودتا "اتهام روزیانه" ای است. ولی
 غفلت دشمنان نمی توانستند از قدرت انتساب بکاهد. بر
 ادعای ما منسی بر عسل روز بنویستها هسا، بر
 تبلیغات فراوان آنها و از جمله بر نوشته های فوق است.
 آیا محمد رضا شاه را به لباس مبارز ضد استعماری و ضد
 امیرالایستی در آوردن، بر توطئه امیرالایستها در اشغال
 جزائر سه گانه تنب و ابو موسی صحه نهادن، رژیم کودتا را
 شامل "تأمین حاکمیت ایران" جلوه دادن، سازش با رژیم
 کودتا نیست؟ فقط کسانی که هرگونه صداقت و نقد بمعنیقت
 را از خود دور کرده اند میتوانند این افتخاری را "اتهام
 روزیانه" بنامند.

واقعیت اینستکه نوسانات و زیروم های روز بنویستها
 حزب توده ایران در ارتباط با فراز نشیب سیاست روز بنویستها
 شوروی در ایران است. روز بنویستهای حزب توده ایران
 به شاه و این دشمن همیشگی و در همه حال خلق ما و فقط
 آن وقت و آنقدر شلاق میزنند که برای رام کردن و رکاب دادن
 او به سوسیال امیرالایسم شوروی لازم است.

نبرد در ... بقیه از صفحه ۴
 وارد دانشگاه شد و به
 زد و خورد پرداخت. دانشجویان هم دست بسته نشستند و
 از آجرهای که برای ساختن طبقه آخر بر بالای بام عسارت
 دانشگاه و طوری که آشته بودند در دفاع از خود استفاده کردند
 و زد و خورد تا عصر روز سه شنبه ادامه یافت. در همین روز در
 ماشین سواری لیس آتش زده شد و دو محل کشیک پلیس دانشگاه
 مورد حمله قرار گرفت و تخریب شد. فردای آن روز هنگام ظهر
 درباره در اثر تظاهرات دانشجویان زد و خورد پلیس از نو براه
 افتاد. این مرتبه پلیس پشیمانانه تر حمله کرد. در حوالی
 ساعت ۳ بعد از ظهر کوماندهای ارتش وارد دانشگاه شدند
 و دانشجویان را به عقب نشینی به کوی دانشگاه وارد کردند.
 دانشجویان از پنجره ها شمار میدادند. پلیس و کوماندها
 درهای کوی را شکسته وارد کوی شدند. دانشجویان را بیرون
 کشیده بقصد کشت زدن. آمبولانسها دانشجویان زخمی را
 بنام بیمارستان به سازمان امنیت منتقل میکردند. جمله تسبی
 ساعت ۷ ادامه یافت. ساعت ۷ پلیس به کویهای دانشجویان
 در داخل شهر (خیابان شهباز - خیابان شهبازنمائی،
 خیابان منصور) هجوم برد. پس از این هجوم تعداد دانش
 جویان زخمی آند زرباد بود که پلکان های کویهای غرق در خون
 بود. دانشجویان این کویها شب را در خیابان بسر بردند.
 تعداد کشتهگان معلوم نیست ولی مسلما بیش از آنست که بعضی
 از خبرگزاریها خیر داده اند. تعداد زیادی را نیز به سرنگ
 بردند. چند روز پس از این جریان و از طرف سازمان امنیت
 کتابخانه بزرگ تبریز را در خیابان دانشمرا آتش زدند تا
 باین بهانه بتوانند عدد دیگری را دستگیر سازند.
 دانشجویان تلفات بسیاری دادند ولی روحیه سرکش
 آنها در مبارزه با رژیم جدید ملی کوی تانبروینند نرازه میشد است.

تحول حوادث ... بقیه از صفحه ۴
 آنگاه میتوانیم دید
 روشن تری از که مشاجرات و منازعات، تردیدها و واجبیا
 شدن های احزاب و محافل حاکم ترکیه داشته باشیم.
 جامعه ترکیه محتاج تحولات بنیادی است که جز از طریق
 انقلاب دموکراتیک نوین تحقق پذیر نخواهد بود. اینهمه جناب
 و اینهمه کشتار و کت های کودتا توانسته و نخواهد توانست عقاوت
 دلبران خلق ترکیه و در رأس آن کارگران و دهقانان را درهم بشکند
 نتوانسته و نخواهد توانست آرمان های پیشرفت و آزادی و استقلال
 را خاموش گرداند. خلق ترکیه در کوره مبارزه آموختن بی آسز
 که تکیه بر قانونیت دولت های ستکر و دل بستن بر اصل است
 آمیز نیل بقدرت - آنطور که حزب اپوزیستی "کارگر ترکیه"
 و روز بنویستها تبلیغ میکردند و میکنند - نتیجه دیگری جز خود
 فریبی و تن در دادن به ضربات فاشلیستانه دشمن و تحمل تلفات
 سنگین و جبران ناپذیر نخواهد داشت. سرنگون ساختن دشمن
 مجبور و مسلح و متکی به قدرت دولتی و امیرالایسم و کار دست
 های کوچک و منفرد - هر قدر هم قدر کارگران بازنایانند نیست
 کار خلق مسلح است که تحت رهبری حزب طبقه کارگر سازمان
 باید. این تجارب گرانمایه خلق ترکیه مسلما بزودی ثمرات
 خود را بیار خواهد آورد. در طی همین دو سال پرازدگرتاج
 کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در پیکار بخاطر تحکیم ایدئولوژی
 و سازمانی خود و در رهبری مبارزات توده ای بیش از پیش آزموه
 و آیدیده شد و تجارب جدید در تلفیق کارمخفی وطنی و جهیز
 و تسلیح توده ها حاصل کرد. نمیتوان تردید داشت که نهضت
 ملی و ضد امیرالایستی خلق ترکیه نوید بخش آینده در رخشان
 پیروزی هاست. ما به خلق برادر ترکیه درود میفرستیم و بر ای
 کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در رهبری نبرد های آینده خلق
 موفقیت روز افزون آرزو مییم.

بهای هر شماره توفان معادل ۲ ریال. آرمون سالیانه معادل
 ... ریال. فهرست نشریات توفان را از دفتر توفان بخواهید.

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروز زیاد جنگ توده های خلق فلسطین

تحول حوادث در ترکیه

کودتای نظامی (مارس ۱۹۷۲) در ترکیه که با الهام آمریکا، لیبیا، مصر، کوبا و عراق صورت گرفت، دو هدف داشت: یکی اینکه نهضت زرتشتیان را باندۀ ملی و ضد امپریالیستی رادیکال در ترکیه در هم بشکند و محمل های قانونی برای این امر فراهم آورد، و دیگری اینکه به منظور فریب سردمداران تفرقه در نیروهای میهن پرست ترکیه به "اصلاحاتی" منجمله "رفرم ارضی" دست بزند.

از سال ۱۹۶۱ که دولت مدرس در اثر جنبش پرخشتم و کین خلق سرنگون شد مبارزات طبقاتی در ترکیه گسترش یافت. سابقه یافت. اعتصابات و تظاهرات کارگری، شورش های دهقانان و تصاحب اراضی مالکان بزرگ ارضی، درگیری های مسلحانه با قوای ارتش و ژاندارمری و پلیس، نمایش های عظیم بر علیه امپریالیسم آمریکا و پایگاه های وی در ترکیه، به درجه ای رسید که حکومت طبقات مستقر ترکیه و سیادت امپریالیسم رادیکال کشور در معرض خطر جدی قرار داد. دیگر عده و عید احزاب سنتی (جمهوری خواه خلق و عدالت) و سیاست اپوزیسیونی و سازش کارانه با اصطلاح "حزب کارگر ترکیه" که در دوران اوج نهضت بوجود آمده بود نمیتوانست توده های زحمتکش ترکیه را درچار چوب رژیم نیمه فئودالی و نیمه استعماری نگه دارد. علن کوردتای نظامی مارس ۱۹۷۲ را باید در این واقعیت جستجو کرد.

توجهی و اپوزیسیونیست ها و از جمله روزیونیست های حزب توده ایران که کودتای نظامی مارس ۱۹۷۲ را "ناتی از یک سلسله حوادث ماجراجویانه میدانند... که از طرف چپ و رها ایجاد شد" (ماهانامه مردم شماره ۷۲) چیز دیگری جز خوار شدن نهضت عظیم خلق ترکیه و تفرقه ارتجاع و امپریالیسم نیست. روزیونیست ها از این حد فراتر رفته حتی مدعی اند که در کودتای نظامی مارس در ترکیه "بخشی از ارتش کوشید تا مست یابی مرفیانه ای را مستقر سازد" (همانجا). روزیونیست ها باین طریق نقشه های نواستعماری امپریالیسم آمریکا را در ترکیه که میبایست بدست ارتش عملی شود "سنت بای مرفیانه" می خوانند! اما این کدام سنت بای مرفیانه است که باید بوسیله سرتیروز خلق ارائه شود؟

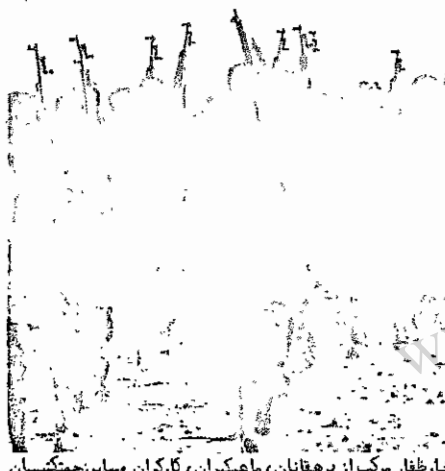
دولت عثمانی که پس از کودتای نظامی سرکار آمدند بیورش بر نهضت توده ای، در هم شکستن سازمان ها و مطبوعات، دموکراتیک، صرف در فائون اساسی ترکیه در جهت ارتجاع، تصویب قوانین تازه ضد ملی و ضد دموکراتیک، خاموش کردن هرگونه صدای مخالف را وظیفه مقدم خود دانستند. در این مدت زندان های ترکیه از بهترین فرزندان خلق پر شد. تنگنا های قرون وسطایی بصورت شیوه های معوم درآمد. جوشه های اعدام بکار افتادند و باید گفت... نخستین وظیفه کودتا انجام یافت. اختلافاتی که در این امر بین احزاب خاکزکیه بظهور رسید جنبه فرعی دارد، اصل آنست که همه آنها در ماعت امر و لزوم سرکوب توده ها با نظامیان در صفا حدی قرار آید. در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه که اخیراً صورت گرفت نظامیان صلاح ندیدند برای تحمل نامزد خویش پیش از آنکه از یافشاری کنند زیرا که گنیه منظور های آنان از لحاظ سیاسی بر آورده شده است. قانون اساسی در جهت ارتجاعی تغییر یافته دولت سبطه خونین خود را برقرار ساخته، مطبوعات، اتحادیه های کارگری و دانشگاه ها مهار شده اند، حکومت نظامی بطور مستمر برپاست، دادگاه های نظامی بطور خستگ ناپذیر به صدور فرمان های حبس و اعدام مشغول اند. در چنین شرایطی نظامیان کودتاگر بهتر استند که صورت ظاهر را نگه دارند و حجت سرتیروز را بدست نامزد های دیگر آرند. از این حیث خاطر آنها نگران نیست.

اما هدف دیگر کودتای نظامی که اجرای نقشه نواستعماری "اصلاحات" است هنوز نتوانسته راه خود را در بین طبقات حاکم ترکیه باز کند. اگر در نظر بگیریم که در ایران در موقع طرح نشاندن نظیر نقشه مذکور نوسانات بسیار در طبقات حاکم و در بارش ظهور رسید و اجاری "اصلاحات" فقط پس از کشف نسبتاً طولانی و مدخلات امپریالیست ها مرحله عمی درآمد، بقیه در صفحه ۳

رویزیونیست ها و سازش با رژیم

رویزیونیست های حزب توده ایران لازم میدانند که هر وقت به آنها نسبت سازش با هیئت فرمانروای ایران را آید شود بیرحمان بر خیزند و سوگند های کران در پاکدانی خود یاد کنند. و این تیرنه جوتی را عموماً در دوران های اینجا میدهند که تضاد میان امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی در ایران بشدت گزاید است و جانب گیری محمد رضا شاه از امپریالیسم آمریکا وظیفه ناخوش و تاز به محمد رضا شاه را در برابر رویزیونیست های حزب توده ایران میگردد. در این دوران است که بار در گلپایگ ایران می افتد و کسانی را که افشاگر و دورویی ها، و شعیده بازی ها و تسلیم طلبی های اویند بیاد ناسزا میگردد. الان ما در چنین دورانی هستیم و روزنامه مردم با استفاده از فرصت، به جمله پیر ازان ماورا چپ مائوئیست و "اتهام رزیلان" آنها مبنی بر سازش رویزیونیست ها با رژیم کودتا تاخته است. (شماره ۹۴). اما اگر چه "دیوار حاشا بلند است" هرگز بلند تر از واقعیت نیست. ما بارها مظاهر این سازش را در صفحات توفان نشان دادیم و اینک سبب و علل رویزیونیستی اعزام نیروی مسلح ایران به عمان و ظفار مظهر دیگری را ارائه میدهم. رویزیونیست ها امروز با مردم ایران همصدا شده اقدام توسعه طلبانه و جنایتکارانه رژیم شاه را محکوم میکنند ولی از یاد میسرنند که این اقدام بطور ناگهانی و تصادفی صورت گرفته و مبتنی بر مفهوماتی است که رویزیونیست های حزب توده

درباره عمان و نهضت ظفار



روزیونیست ها که ساخته و پیرداخته امپریالیسم انگلستان است یکی از ارتجاعی ترین رژیم های جهان و پاسدار نظامات فئودالی و پیش از فئودالی و استعماری نواستعماری است. در ۱۹۶۴ که پیشگامان خلق ظفار (در غرب عمان) به منظور مبارزه با سلطان سعید بن تیمور "جبهه" رهایی بخش ظفار را تشکیل دادند هنوز برده داری در آن منطقه رایج بود، مردم ظفار جز اشتغال به گله داری و صید ماهی از مشاغل دیگر محروم بودند، حتی یک پزشک نداشتند، از سواد بی بهره بودند، حکومت مطلق سعید که از ترقی و پیشرفت مهربان قدغن کرده بود که خانم جدید نساژند، لیا ساریانی نشینده از هر چیز نو بر زندگی بهره ریزند، را دیویده داشته باشند و نشینوند، بسفر نروند، حتی برای انتقال از شهری به شهر دیگر از پلیس اجازه بگیرند... و غیره در چنین شرایطی "جبهه" رهایی بخش ظفار تشکیل شد. در سال ۱۹۶۵ حکومت سلطان سعید عده ای از حوزه های جبهه را کشف کردند. تن از بهترین مبارزان آنها را دستگیر کرد و در همین موقع کشتی های گشتی ایران در خلیج فارس باقی را که حامل اسلحه برای ظفار بود توقیف کرده بنابر وظیفه نوکی خوش تابی و سلاح ها و سرنشینان آنها در مسقط به قوای انگلیسی تحول دادند. از این زمان مبارزان ظفار به گروه ها پناه برده نخستین کنگره خود را در ژانویه ۱۹۶۵ در وادی الکبیر سازمان بخشیدند. "جبهه" رهایی بخش ظفار در طی مبارزه هم از لحاظ کبیت رشد یافت و در کنگره دوم در اوت ۱۹۶۸ پس از مباحثات پر نور توانست به مضمون والا ترین نائل آید. کنگره مذکور نهضت ظفار را از محدودیت بیرون آورد و اعلام داشت که هدف مبارزان این نهضت رهایی کبیه مناطق استعمار زده، خلیج است و بدین مناسبت نام خود را به "جبهه" رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" بدل کرد و ضوابط تشریح کرد که اساس فعالیت جبهه بر سوسیالیسم عملی قرار دارد. از این پس "جبهه" رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" به پیروزی های مهم نائل آمد. شکست های ناپایمانی بر ارتش مزدور عمان که تحت فرماندهی افسران انگلیسی است و از آرد و نواهی وسیعی در در مغرب عمان آزاد ساخته به آزاد ساختن بردگان، برانداختن رژیم استبدادی و فئودالی، به افتتاح مدارس، به رشد و ترقی اقتصاد و بهبود وضعیت زندگی توده های مردم دست زد. امروز نهضت آزاد بخش ظفار و مناطق آزاد شده آن الهام بخش همه خلق های خاور میانه است. امپریالیسم انگلستان که زمام حکومت بقیه در صفحه ۳

روزیونیست ها که ساخته و پیرداخته امپریالیسم انگلستان است یکی از ارتجاعی ترین رژیم های جهان و پاسدار نظامات فئودالی و پیش از فئودالی و استعماری نواستعماری است. در ۱۹۶۴ که پیشگامان خلق ظفار (در غرب عمان) به منظور مبارزه با سلطان سعید بن تیمور "جبهه" رهایی بخش ظفار را تشکیل دادند هنوز برده داری در آن منطقه رایج بود، مردم ظفار جز اشتغال به گله داری و صید ماهی از مشاغل دیگر محروم بودند، حتی یک پزشک نداشتند، از سواد بی بهره بودند، حکومت مطلق سعید که از ترقی و پیشرفت مهربان قدغن کرده بود که خانم جدید نساژند، لیا ساریانی نشینده از هر چیز نو بر زندگی بهره ریزند، را دیویده داشته باشند و نشینوند، بسفر نروند، حتی برای انتقال از شهری به شهر دیگر از پلیس اجازه بگیرند... و غیره در چنین شرایطی "جبهه" رهایی بخش ظفار تشکیل شد. در سال ۱۹۶۵ حکومت سلطان سعید عده ای از حوزه های جبهه را کشف کردند. تن از بهترین مبارزان آنها را دستگیر کرد و در همین موقع کشتی های گشتی ایران در خلیج فارس باقی را که حامل اسلحه برای ظفار بود توقیف کرده بنابر وظیفه نوکی خوش تابی و سلاح ها و سرنشینان آنها در مسقط به قوای انگلیسی تحول دادند. از این زمان مبارزان ظفار به گروه ها پناه برده نخستین کنگره خود را در ژانویه ۱۹۶۵ در وادی الکبیر سازمان بخشیدند. "جبهه" رهایی بخش ظفار در طی مبارزه هم از لحاظ کبیت رشد یافت و در کنگره دوم در اوت ۱۹۶۸ پس از مباحثات پر نور توانست به مضمون والا ترین نائل آید. کنگره مذکور نهضت ظفار را از محدودیت بیرون آورد و اعلام داشت که هدف مبارزان این نهضت رهایی کبیه مناطق استعمار زده، خلیج است و بدین مناسبت نام خود را به "جبهه" رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" بدل کرد و ضوابط تشریح کرد که اساس فعالیت جبهه بر سوسیالیسم عملی قرار دارد. از این پس "جبهه" رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" به پیروزی های مهم نائل آمد. شکست های ناپایمانی بر ارتش مزدور عمان که تحت فرماندهی افسران انگلیسی است و از آرد و نواهی وسیعی در در مغرب عمان آزاد ساخته به آزاد ساختن بردگان، برانداختن رژیم استبدادی و فئودالی، به افتتاح مدارس، به رشد و ترقی اقتصاد و بهبود وضعیت زندگی توده های مردم دست زد. امروز نهضت آزاد بخش ظفار و مناطق آزاد شده آن الهام بخش همه خلق های خاور میانه است. امپریالیسم انگلستان که زمام حکومت بقیه در صفحه ۳

نبرد در دانشگاه تبریز
مناقشه در شماره گذشته توفان امکان یافتیم گزارش را که درباره مبارزات اسفند ماه دانشگاه تبریز رسیده بود درج کنیم. اما نظر با اهمیت مبارزات مذکور، عین گزارش را - اگرچه پانواخیر - اینک از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:
چند روز پیش از حمله پلیس و گواند و ها، دانشجویان دانشگاه تبریز فنی جهت مطالبه استعفا رئیس دانشگاه تبریز که مجری اوامر سازمان امنیت است اعتصاب کرده و اعلام داشته بودند که تا وی عذر نشود یا تصاحب اذانه خواهند داد. مسئولان دانشگاه دانشگاه فنی را تعطیل و اعلان کردند که دانشجویان این دانشگاه مدت یک سال از تحصیل محروم خواهند بود. روز سه شنبه اول اسفند دانشجویان سایر دانشگاه ها به علامت همبستگی با دانشگاه فنی اعتصاب کردند و دست تظا هسر زدند. در میان شعارهای عموم دانشجویان در این روز شعار های زیرین چشم حضور: "زند انسان ساسی را آزاد کنید" "مرگ بر مودوران!" "زنده باد دانشجویان ایرانی خارج از کشور!" پلیس برای جلوگیری از تظاهرات بقیه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم محمد رضا شاهی